



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



تاریخ 02.08.2019

سیدهاشم سدید

نظر به طولانی بودن پیام در صفحه تحلیل ها و مقالات به نشر رسید!

پیام به آقای مومند لاپوروال

سلام و احترام به شما جناب مومند صاحب!
در مورد مرحوم محمد ظاهر شاه من نظریاتم را چندین بار ابراز نموده ام. شاه هم کار نامه های مثبت داشت و هم کارنامه های منفی. کارنامه های منفی شان، اما باتأسف بیشتر و سنگین تر بودند.
بی بهره گی امروز همه ما، به شمول خودم، از هوش کافی، نداشتن عادت به اندیشیدن و آزاد ساختن خود از قید و بند یک سلسله رسوم و عادات و فرهنگ و خورده فرهنگ هائی دست و پا گیر و در بند این یا آن بودن و ملاحظه این و آن را نمودن، بجای داشتن تعلق به واقعیت ها، نتیجه یکی از کار هائی است که می توان آن مرحوم را عامل آن دانست؛ کاری که برای یک جامعه عقب مانده از هر نظر به مثابه زهر کشنده پنداشته می شد و می شود.
مردمی که ذهن شان باز نباشد و عادت به تفکر سینماتیک نکرده باشند، واقعاً از پیدا کردن پاسخ به خیلی از سوال ها، حتا پاسخ به پیش پا افتاده ترین سوال ها عاجز می مانند - البته این تنها عامل قادر نبودن ارائه پاسخ به سوال یا سوال ها نیست.

در همسایگی ما شاهی بود که قسمتی از تعمیرری را در نیویارک خریده بود. این شاه، چون در فکر اعتلای کشور و جداً باسواد، یعنی با معرفت ساختن مردمش بود، عواید حاصله از آن قسمتی از تعمیر را برای تأسیس یک موسسه بزرگ نشراتی در داخل کشورش اختصاص داد و در حدود سه هزار نویسنده و مترجم و محقق و... را در آن موسسه استخدام نموده به کار گماشت تا برای بالا بردن سطح علمی - فکری مردم کشور بنویسند و ترجمه و تحقیق و... کنند. قبول می کنم که ما عواید آن همسایه را نداشتیم، ولی آیا شاه و کشور ما برای انجام این مقصد - با کیفیت لازم - از استخدام سی نفر هم ناتوان بودند؟؟ خیر!! پس به چه دلیلی در این فکر نشدند، یا اگر شدند آن را جهت درست ندادند؟ چون نه به فکر مردم بود، نه به فکر ملک و نه به فکر یک کار، با کیفیت عالی!
ما با تأسف عادت به فکر کردن نداریم. چون راهی این کار را کسی که باید به ما نشان می داد یا برای ما مهیا می کرد، نه به ما نشان داد و نه مهیا کرد.

پدر من با پدر محمد ظاهر شاه مرحوم در یک مسجد نماز نخوانده بودند؛ همینطور خود من با خود آن مرحوم. نه من آنقدر بیچاره هستم، که بی جهت به کسی بد بین یا خوش بین شوم!!!

ملت ها از زمامداران شان انتظاراتی دارند. آن ها هم به مثابه سیاستگذاران یک کشور مسئولیت هائی دارند. کسی که مسئولیت هایش را جدی نگیرد، نه قابل دفاع است و نه قابل تقدیر!!

به این گفته باید باور داشته باشید که کسی که اشتباه نمی کند فقط کسی است که هیچ کاری نمی کند. حاصل خیلی از کار ها را که قابل پیش بینی نیستند کسی نمی تواند پیش بینی کند. و کسی هم نمی تواند بخاطر اینکه شاید عاقبت این یا آن کار چنین یا چنان خواهد شد، دست به هیچ کاری نزند. فرق مرحوم ظاهر خان با مرحوم داؤد خان در همین بود که یکی از ترس خراب شدن کار و از دست دادن حکومت هیچ تحرکی لازم از خود نشان نداد و دیگری با پذیرش این واقعیت که نمی توان تا ابد دست زیر الاشه نشست، و با همه حقارت ها ساخت، دست به کاری زد که از بخت بد ما و او نتیجه ای داد که اصلاً نه پیش بینی می شد، و نه او می خواست.

در باره نه سوال خود، خواهش من این است که شما خود کمی پیرامون آن ها دقت کنید.

نیافتن پاسخ به یک سوال چندین علت دارد. یکی نداشتن عقل است. این نسبت را من به هیچ وجه به شما محترم نمی دهم. شما از این نعمت به قدر کافی بهره برده اید. تنها کاری که باید بکنید این است که آزاد از همه قید و بند ها و همه ملاحظات به کاوش گسترده تر قضایا بپردازید. من مطمئن هستم که برای همه سوال های تان پاسخ لازم

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

را پیدا می کنید؛ در غیر آن این سلسله سؤال ها و جوابات ما مردم تا ابد خلاصی ندارد تا آنکه از آن ها مثنوی
هفتاد [هفت هزار من] من کاغذ ساخته شود.
زندگی پر از شادی و خوشی برای تان آرزو می کنم

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ